

مطالعات تطبیقی؛ حوزه‌ای مغفول در تربیت معلم

آگاهی از جایگاه ویژه نظام های آموزشی در جهان و نقش آنها در تغییرات اجتماعی سبب شده است که در بسیاری از کشورها، آموزش و پرورش تطبیقی به یکی از پویاترین رشته های علمی مورد توجه سیاستمداران، دانشمندان حوزه های گوناگون علوم انسانی و دست اندرکاران و برنامه ریزان آموزشی مبدل شود. دانش مطالعات تطبیقی امروزه در اغلب کشورها، دانشی فراگیر و گسترده است و یکی از شاخه های دانش تعلیم و تربیت است که به مطالعه نظام های مختلف آموزش و پرورش کشورها پرداخته است. در واقع یکی از مهم ترین روش های تحقیقی که در اکثر رشته ها کاربردهای فراوانی دارد، روش تحقیق تطبیقی است. این روش یکی از روش های تحقیق منعطف و خاص است که هم رویکردهای کمی و هم رویکردهای کیفی را در بر می گیرد. گستره این روش، بیشتر در علوم انسانی و علوم اجتماعی است. البته در سایر رشته ها از جمله در حوزه تربیت معلم نیز کاربرد دارد و دیدگاه عمده آن بر پایه تطبیق یا مقایسه بنا نهاده شده است. این روش دارای رویکرد و خصوصیات مختلفی است که اکثر اندیشمندان در رابطه با آن مطالبی را مطرح کرده اند که درخور توجه می باشند. از جمله موسی پور (۱۳۹۲) اعتقاد دارد: مطالعات تطبیقی به "مثابه روش مطالعه" در حوزه مطالعات تربیت معلم دارای ارزش زیاد است. در این معنا و برداشت از مطالعه تطبیقی، تلاشی سازمان یافته برای مقایسه پدیده های دارای مشابهت بنیادین مطرح است. این تشابه در عرصه بودن کنونی چنین پدیده هایی نیست؛ بلکه حکایتی از یکسانی آنها در حقیقت وجودی است. به عبارت دیگر، تشابه داشتن را فقط باید بنیادی برای مقایسه پذیری قلمداد کرد نه واقعیتی برای دستاورد پژوهش، حتی آموزنده ترین دستاورد این نوع مطالعه، همین تفاوت هایی است که آشکار می کند.

برای تحقق مطالعات تطبیقی، رعایت سه شرط اساسی لازم است: اول شرط مقایسه پذیری، دوم شرط روشمندی و سوم شرط اهلیت (متخصص بودن). این سه شرط اگر مهیا نباشد، مطالعه انجام شده را نمی توان تطبیقی نامید.

اما در حوزه مطالعه تطبیقی، یکی از روش های که طی سال های گذشته مورد عنایت حوزه آموزش و پرورش بوده، روش بردی است. که بنیاد آن بر مقایسه در سطح کشورهاست. روش بردی یک متدولوژی پژوهش تطبیقی است که از چهار مرحله اصلی تشکیل شده است: توصیف، تفسیر،

همجواری و مقایسه. این مراحل به پژوهشگر کمک می‌کنند تا پدیده‌های مورد مطالعه را به صورت سیستماتیک بررسی و با یکدیگر مقایسه کند. مراحل چهارگانه روش بردی عبارتند از:

۱- توصیف:

در این مرحله، پدیده‌های مورد مطالعه به دقت توصیف می‌شوند. این توصیف شامل جمع‌آوری اطلاعات و شواهد مربوط به پدیده‌ها و یادداشت برداری از آنها است تا برای مراحل بعدی آماده شوند.

۲- تفسیر:

اطلاعات جمع‌آوری شده در مرحله توصیف، واری و تحلیل می‌شوند. هدف از این مرحله، درک عمیق‌تر پدیده‌ها و کشف روابط بین آنها است.

۳- همجواری:

در این مرحله، اطلاعاتی که در مراحل قبل آماده شده‌اند، با یکدیگر مقایسه می‌شوند و طبقه‌بندی می‌شوند تا یک چهارچوب برای مقایسه نهایی ایجاد شود.

۴- مقایسه:

در نهایت، پدیده‌های مورد مطالعه با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان در زمینه‌های مختلف بررسی و مقایسه می‌شوند. این مقایسه به پژوهشگر کمک می‌کند تا به سوالات تحقیق پاسخ دهد.

همچنان که از مراحل بردی مشخص است بحث از یک روش نیست بلکه بحث از یک رویکرد است. در واقع، هر مطالعه تطبیقی یک حوزه روشی است. روش پژوهش تطبیقی، فرصتی برای بکارگیری روش‌های متعدد در جهت دستیابی به اهداف مورد نظر است. خطاست که چنین تصور شود روشی منحصر به فرد برای تحقیقات تطبیقی تدارک شده است؛ بلکه در واقع یک چارچوب کلی برای این فرایند است. نکته مهم‌تر در خصوص مطالعات تطبیقی استفاده از یک "استراتژی مناسب" برای انتخاب کشورهای مورد مطالعه است که متأسفانه در پژوهش‌های تطبیقی صورت گرفته کمتر از یک استراتژی مناسب استفاده می‌شود و معمولاً در بیان دلایل انتخاب کشورها به تشابه فرهنگی، پیشرفت‌های به دست آمده در آن کشورها و سایر موارد مشابه اشاره می‌شود. در حالیکه رایج‌ترین استراتژی-های مناسب برای انتخاب کشورها یکی از موارد زیر است: ۱- نظام‌های اجتماعی متفاوت؛ برون‌دادهای آموزشی متفاوت. ۲- نظام‌های اجتماعی متفاوت؛ برون‌دادهای آموزشی مشابه. ۳- نظام

های اجتماعی مشابه؛ پرونده‌های آموزشی متفاوت. ۴- نظام های اجتماعی مشابه؛ پرونده‌های آموزشی مشابه.

انتظار می‌رود پژوهشگرانی که در حوزه مطالعات تطبیقی تربیت معلم فعالیت می‌کنند در پژوهش‌های خود به استراتژی مناسب مطابق با توضیحات فوق‌الذکر اشاره داشته باشند تا یک روش‌شناسی پژوهش منطبق با چارچوب های علمی در پژوهش آنها لحاظ گردد.

هر چند در سال های اخیر مقالاتی در حوزه مطالعات تطبیقی به انجام رسیده است اما در حوزه تربیت معلم، دچار فقر مقاله و فعالیت پژوهشی هستیم و به جز در مواردی که آن هم بصورت کلی فعالیت های انجام شده، فعالیت چشم گیر دیگری در این حوزه مشاهده نمی‌گردد و در این حوزه، تربیت معلم مورد غفلت واقع شده است. با این حال، بصورت تخصصی و روش مند نیازمند این هستیم که مقالاتی کاملاً تخصصی در این حوزه نگارش گردد که هم خلا مقالات و فعالیت های پژوهشی در این زمینه جبران شود و هم خروجی این فعالیت های پژوهشی مورد استفاده دست اندرکاران و مسولان تربیت معلم کشور قرار گیرد.

سخن درباره ارزش و کاربرد مطالعات تطبیقی، بیش از اینهاست. آنچه بیان شد به بهانه انتشار مقالات در نشریه "مطالعات تطبیقی تربیت معلم" است. در این نشریه مقالاتی عرضه می‌گردد که تلاش در حد «وسع» دست اندرکاران و نویسندگان برای در کنار هم قرار دادن مصادیقی از مطالعات تطبیقی تربیت معلم ایران را آشکار می‌کند و اما راه اندازی این نشریه به آسانی فراهم نشده است بلکه با تلاش همکاران عزیز در معاونت پژوهش و چاپ مقالاتی در شماره های گذشته با تلاش و مساعی همکار ارجمند جناب آقای دکتر خسرو نظری و هیات تحریریه محترم به ثمر نهشته است؛ امیدوارم در این فصل جدید که فرصتی برای این حقیر فراهم شده است بتوانم ضمن ارایه فهم آسانتر از "مطالعات تطبیقی تربیت معلم" تلاش همکاران ارجمند را به نحوی شایسته ادامه بدهم. همچنین امیدواریم در شرایط کنونی کشور که تلاش‌های گسترده دانشگاه فرهنگیان برای ایجاد تحول در برنامه‌های درسی تربیت معلم در حال انجام است و مطالعات تطبیقی می‌توانند مدد رسان تصمیم‌گیران باشند، تعداد بیشتری از متخصصان و استادان دانشگاه فرهنگیان و سایر دانشگاه ها در ایران به این نوع مطالعه روی آورند و از ارایه دستاوردهای علمی خود جهت چاپ در این نشریه و معرفی دستاوردهای خود به جامعه علمی کشور دریغ نورزند.

مرزبان ادیب منش

سردبیر علمی نشریه مطالعات تطبیقی تربیت معلم